

عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران

مجید کفاشی^{۱*}

چکیده

این تحقیق با هدف شناخت عوامل تاثیر گذار بر ایجاد شکاف نسلی و دستیابی به یک الگوی نظری تحلیلی می‌باشد که با استفاده از نظریه‌های مرتبط، عوامل مهم و اثرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق با طرح پرسش‌هایی، به تحلیل و تبیین موضوع پژوهش پرداخته است. روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. نمونه مورد مطالعه ۵۸۶ نفر از جوانان بین ۲۰ تا ۲۵ سال ساکن در شهر تهران می‌باشند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابزار تحقیق، پرسشنامه پژوهشگر ساخته است که مبتنی بر طیف لیکرت طراحی شده است. در این مقاله به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و برای آزمون مدل نظری تحقیق از نرم افزار لیزرل^۲ استفاده شده است. نتایج این پژوهش بر وجود یک الگوی رابطه آماری مستقیم و معکوس بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حکایت دارد. به عبارت دیگر رابطه معنی داری بین شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی شامل سبک زندگی، موقعیت محل سکونت، معاشرت با گروه همسالان، پایگاه اجتماعی والدین، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، نظام آموزشی با متغیر وابسته شکاف نسلی وجود دارد. همچنین نتایج الگوسازی معادلات ساختاری حکایت از رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است، که با توجه به شاخص‌های الگوسازی می‌توان استدلال کرد مدل‌های ارائه شده از برازش خوبی برخوردار بوده و انطباق مطلوبی بین مدل به تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی دارند.

واژه‌های کلیدی: نسل، شکاف نسلی، خانواده، اجتماعی، فرهنگی.

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم اجتماعی، رودهن، ایران

*- نویسنده مسوول مقاله: majidkaffashi@gmail.com

مقدمه

خانواده پایه بنیادین اجتماع و سلول سازنده زندگی انسان و خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت‌ها و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. خانواده شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی و کانونی در جهت بروز و ظهور عواطف انسانی و مکانی برای «پرورش اجتماعی» است. خانواده واحدی است که براساس ازدواج پدید می‌آید و از آغاز پیدایی خود، همچون حریمی امن، زندگی انسان را در بر می‌گیرد و موج تازه‌ای در درون شبکه خویشاوندی ایجاد می‌شود و این موج جدید است که شمار زیادتری از خویشاوندان را نیز به هم پیوند می‌دهد. انسان در خانواده فرآیند جامعه‌پذیری که مجموعه‌ای از «بایدها» و «نبایدها» است و بالاخره نقش‌هایی را در ارتباط با دیگران یاد می‌گیرد. آنچه در خانواده از اهمیت برخوردار است توجه به ارزش‌ها بویژه ارزش‌های اجتماعی است. ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال و یا به تعالی کشاند. بنابراین خانواده‌ها و مسئولین باید خیلی راغب باشند که بدانند، چه عواملی موجب پیدایش ارزش‌ها در یک جامعه می‌شوند و چگونه می‌توان این ارزش‌ها را تغییر داد. اهمیت ارزش در آن نهفته است که پایه ارزیابی ما را از پدیده‌های اطرافمان، از خودمان از نزدیکان و از دیگر انسان‌ها و از جامعه تشکیل می‌دهند و در واقع رفتار ما را نسبت به آنها تنظیم می‌کنند.

زندگی در جامعه به عنوان نقطه‌ای مقابل زندگی خانوادگی فرض شده است که هر چیز غیر از خانواده را در بر می‌گیرد. زندگی در جامعه دارای خصوصیات تحرک مخصوص به خود و قوانین خاص خود است. در مقابل واقعیتی که در آن احساس و محبت راه ندارد و در مقابل انطباق خشک و نظم کسالت آور و بی روح جهان بیرون از خانه، خانواده با فضایی آکنده از احساس مشترک، آرامش، محیط انسانی و گرم به منزله مکان زندگی مخصوص یا بهتر گفته باشیم انسانی، جلوه‌گر می‌کند. (Rosnbaum, 1973.P33)

اما با ورود تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی در خانواده‌ها، ارزش‌های اجتماعی خانواده‌ها تحت تاثیر قرار گرفته و موجب شده تا شاهد تغییراتی در رفتار و گفتمان نسل جوان باشیم. از جمله این وسایل دسترسی آسان به وسایل ارتباط جمعی می‌باشد. وسایل ارتباط جمعی علاوه بر نقاط قوت، امروزه دارای نقاط ضعفی هم هست. وسایل ارتباط جمعی فواصل را ناپدید می‌سازند، همچنان که جدار بین انسان‌ها را نیز تا حدود زیادی شفافتر می‌سازند (Eslovin, 2001.P 83). بنابراین، چگونه می‌توان تصور کرد که این وسایل بر گروه‌های اجتماعی، از جمله گروهی به تمام معنی، یعنی خانواده اثر نگذارند. بی‌شبهه، تطور خانواده در جامعه جدید، صرفا تابع اثرات وسایل ارتباط جمعی نیست (Kazno, 2004.P 149).

هربرت مارکوزه در کتاب انسان تک ساحتی تحت عنوان منطق سلطه از عقلانیت تکنولوژی بحث می‌کند معتقد است پیشرفت فنی تکنولوژی در جامعه بجای اینکه به آزادی و تسلط انسان بر طبیعت بینجامد به عاملی در بهره‌کشی بیش‌تر انسانها شده است. از نظر او انسان دارای یک بعد ماشینی شده و ابعاد دیگر شخصیت انسان از بین رفته است. اخلاق، زبان فرهنگ، هنر، عواطف همه از حاکمیت تکنولوژی متأثر گردیده‌اند و در نتیجه تفکر تک ساحتی در جامعه تک ساحتی ایجاد گردیده و حقوق و آزادی‌های فردی از مفهوم سنتی گذشته دوری بسته و جای خود را به فرهنگ مادی سپرده است (Kaffashi, 2005, P85).

افراد هر نسل به دلیل قرار گرفتن در یک زمان مشترک، معمولاً از خواسته‌های نسبتاً مشترکی برخوردار هستند. زمانی که دو نفر که تقریباً هم نسل هستند، تشکیل خانواده داده و صاحب فرزند می‌شوند معمولاً فرزندشان در نسلی غیر از نسل خود آنها متولد می‌شود و تابع ایده‌آل‌های نسل خویش می‌گردد و ممکن است در این زمان بین خواسته‌های والدین و فرزندشان شکافی ایجاد شود که علمای علوم انسانی از آن با عنوان پدیده شکاف نسلی یاد می‌کنند.

در جوامع امروز با پیشرفت‌های علمی و عملی جوامع، مسائل و پدیده‌های جدیدی جلوه‌گر شده‌اند که در گذشته یا اصلاً وجود نداشته‌اند و یا اگر هم وجود داشته‌اند توجه خاصی به آنها نمی‌شده و در نتیجه از اهمیت خاصی هم برخوردار نبوده‌اند. یکی از مسائلی که در جامعه امروز با آن مواجه هستیم پدیده‌ای با عنوان شکاف نسلی است. این پدیده خود معلول پدیده‌هایی دیگر و علت پدیده‌هایی دیگر هم است. امروزه با بالا رفتن سن ازدواج در بین جوانان و احتیاط‌های موجود در خانواده‌ها در رابطه با مسائل مرتبط با کنترل جمعیت رفته رفته فاصله سنی والدین با فرزندان خود در حال افزایش است. پدیده‌ای که در گذشته زیاد به چشم نمی‌خورد، زیرا افراد، زود تشکیل خانواده می‌دادند و زود هم صاحب فرزند و اگر بخواهیم بهتر بگوییم زود هم صاحب فرزندانی می‌شدند و به این دلیل فاصله سنی والدین و فرزندان زیاد نبود. حال این افزایش فاصله سنی می‌تواند باعث ایجاد مسائل و شاید در مواردی هم باعث ایجاد آسیب‌هایی در جامعه شود. زیرا با ایجاد فاصله سنی زیاد بین والدین و فرزندان این دو قشر تبدیل به افراد دو نسل می‌شوند و هر یک ایده‌آل‌های نسل خود را طلب می‌کند و حال اگر بین ایده‌آل‌های این دو نسل از لحاظ ارزشی تفاوت‌های زیادی وجود داشته باشد و آنها نتوانند خود را با ارزش‌های نسلی یکدیگر منطبق سازند بین آنها شکافی ایجاد می‌گردد و این شکاف می‌تواند باعث ایجاد آسیب‌هایی به پیکره اجتماع شود. (Iranian Sociological Association, 2004, P 570). در این مقاله محقق بر آن است تا با انجام تحقیقی تحت عنوان «بررسی تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر ایجاد شکاف نسلی در خانواده‌های تهرانی» ضریب تاثیرگذاری شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

مطالعات مقدماتی و ادبیات موجود حاکی از این واقعیت است که رابطه‌ای بین عوامل اجتماعی و فرهنگی و ایجاد شکاف نسلی مشاهده می‌شود. در این پژوهش محقق تلاش دارد این موضوع را مورد مطالعه قرار دهد که عوامل اجتماعی و فرهنگی چه تاثیری در ایجاد شکاف نسلی خانواده دارد؟ آیا می‌توان ادعان داشت که شکاف موجود متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی می‌باشد؟ آیا رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی والدین و شکاف نسلی وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین سبک زندگی و شکاف نسلی وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین معاشرت جوانان با گروه همسالان و شکاف نسلی وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین موقعیت محل سکونت و شکاف نسلی وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین وسایل ارتباط جمعی و شکاف نسلی وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین نظام آموزشی موجود و شکاف نسلی وجود دارد؟

در عرف، نسل به افرادی گفته می‌شود که تقریباً در یک یا چند دهه مشخص متولد می‌شوند در زمان یکسان تقریباً هم سن هستند. در فرهنگ لغت عمید، نسل به معنای فرزند و ذریه تعریف شده است. (حسن عمید، ۱۳۵۰: ۱۰۵). صحبت از نسل هاست. نسل‌هایی متفاوت از یکدیگر. صحبت بر سر خواسته‌هایی است که هر نسل از دنیای خارج دارد. صحبت از تفاوت‌های ایده آل‌های هر نسل است. بحث و بررسی در مورد مساله «شکاف نسلی» به عنوان یک مساله اجتماعی که رفته رفته ممکن است شکل آسیب اجتماعی را به خود بگیرد از اهمیت بالایی برخوردار است. برای شناخت و بررسی این مساله اجتماعی ابتدا باید عواملی که در آن تاثیر گذار هستند را به خوبی مورد تحلیل و بررسی قرار داد تا ماهیت و کارکرد هر یک از آنها به خوبی مشخص گردد. هر نسل به دلیل بودن در یک زمان مشترک و دارا بودن وسایل، امکانات، اطلاعات و علوم نسبتاً یکسان، از خواسته‌های نسبتاً مشترکی برخوردار هستند. زمانی که افراد یک نسل به سن ازدواج رسیده و متاهل و دارای فرزند می‌شوند، معمولاً فرزند آنها در نسلی متفاوت از نسل خود آنها متولد می‌شود و همانطور که آنها و هم نسل‌هایشان خواسته‌های خاصی را داشته اند حال فرزند آنها هم خواسته‌های مختص نسل خود را دارد که ممکن است با خواسته‌های والدین خود متفاوت باشد. این تفاوت احتمال دارد که به دو شکل باشد: الف) هم جهت با خواسته‌های ایده آل والدین، ب) در جهت عکس و متضاد با خواسته‌های ایده آل والدین. اگر خواسته‌های فرزندان با خواسته‌های والدین در یک جهت باشند و فقط نوع آنها با هم تفاوت داشته باشد معمولاً مسئله خاصی ایجاد نخواهد شد. اما اگر خواسته‌های فرزندان در تضاد با خواسته‌های والدین باشد، با پدیده‌ای اجتماعی مواجه خواهیم شد که امروزه دانشمندان علوم اجتماعی به آن «شکاف نسلی» می‌گویند.

شکاف نسلی به صورت‌های مختلف تعریف شده است. اما تعریف جامع و ساده‌ای از این مسئله را می‌توان این‌گونه بیان داشت: شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی و فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و

الگوهای رفتاری میان دو نسل همزمان در یک جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد (Mansournejad, 2003, P. 89). حال، پرسش اصلی در این تحقیق این است که: الف) چه متغیرهایی در ایجاد این اختلافات در بین دو نسل متفاوت تاثیر گذار هستند. ب) نوع و شکل رابطه متغیرهای اثر گذار چگونه هستند و تا چه اندازه با مدل محقق ساخته انطباق دارند. ج) متغیرهای اثر گذار در چه عواملی دسته بندی می شوند.

اهدافی که در این مقاله دنبال می شوند عبارتند از: الف) سطح سنجی شکاف نسلی در خانواده‌های تهرانی. ب) شناخت میزان اثرگذاری، نوع و شکل رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی که در ایجاد شکاف بین دو نسل تاثیر گذار هستند. ج) دستیابی به یک الگوی نظری در خصوص تبیین شکاف نسلی.

منصور ساعی در مقاله‌ای تحت عنوان نقش رسانه‌ها در انتقال ارزش‌ها و پدیده‌ی شکاف هنجاری و ارزشی نسل‌ها، معتقد است رسانه‌ها به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی کارکرد انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های جوامع را برعهده دارند. در عصر کنونی با توجه به نقش بارز آنها در جامعه و اطلاع رسانی پیرامون موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... سعی می‌کنند الگوهای نوینی را به جوامع وارد کنند تا جایگزین فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و الگوهای سنتی شوند. در این رهگذر رسانه‌ها به عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش‌ها و هنجارها مطرح هستند، به طوری که سنت‌ها را به مبارزه می‌طلبند و به صورت یک عامل مؤثر در دگرگونی نگرش‌ها و رفتارهای نسل جدید عمل می‌کنند. همین امر می‌تواند منجر به شکاف نسلی و عدم انتقال تجربیات نسل گذشته به نسل فعلی شود. نسل فعلی، هر آنچه را که از رسانه می‌خواند، می‌شنود و می‌بیند، ملاک نگرش، عمل و رفتار خود قرار می‌دهد. در دوران کنونی نقش نهادهای اجتماعی همانند خانواده، مدرسه و همسالان در اجتماعی کردن نسل‌ها تضعیف و در مقابل روز به روز بر اهمیت و نقش رسانه‌ها افزوده می‌شود. این مقاله با توجه به داده‌های نظری و نظر صاحب نظران به تبیین موضوع شکاف نسلی از طریق رسانه‌ها و نقش این دستگاه‌ها در انتقال ارزش‌ها و معیارهای نو به جوامع می‌پردازد. (Saei, 2004, P. 231)

تقی آزاد ارمکی در تحقیقی به وجود تفاوت بین نسل‌های قدیم و جدید تاکید دارد. از نظر او تفاوت‌ها به گونه‌ای نیست که بتوان از آن به انقطاع نسلی رسید. زیرا انقطاع نسلی را به معنای گسست بدون رابطه بین نسلی می‌دانیم. در صورت وجود گسست نسلی، ضرورتاً فروپاشی فرهنگی و اجتماعی صورت خواهد گرفت. با مراجعه به واقعیت‌های عینی در جامعه می‌توان بدون اقدام برای انجام هر نوع پژوهش اظهار نمود که جامعه در فرایند فروپاشی قرار ندارد. از طرف دیگر، جامعه ایران به لحاظ ساختاری بگونه‌ای طراحی شده است که نسل‌ها از طریق خانواده و دین و دیگر نهادهای اجتماعی به یکدیگر وابسته شده و امکان انفکاک و انقطاع نسلی از بین رفته است. افزون

بر رابطه از طریق سه نهاد اشاره شده، پذیرش فرهنگ مشترک و باور به سابقه و تجربیات واحد اجتماعی و تاریخی از عوامل پیوند زنده بین نسلی هستند. با توجه به یافته‌های این تحقیق اهمیت بالای خانواده، ملیت ایرانی، گذران اوقات فراغت با خانواده، تاکید بر ارزش‌های تلفیقی (مادی و فرامادی)، اهمیت موسیقی سنتی، اهمیت فردگرایی، تاکید بر آزادی فردی و مالکیت خصوصی و... حکایت از وجود توافق کلی بین نسلی دارد. از طرف دیگر تفاوت‌هایی نیز میان نسل‌ها در حوزه‌های ارزشی، فردگرایی، مشارکت، دین‌گرایی، خانواده، نوگرایی، غرور ملی و گروه‌های مرجع نیز وجود دارد (Armaki, 2004, P67).

امین رحیمی در مقاله‌ای تحت عنوان دلایل شکاف میان نسل‌ها چیست؟ اظهار می‌دارد: در کشور ما نیز همانند دیگر ملل و بویژه کشورهای در حال توسعه، فاصله نسل‌ها و تبعات ناشی از آن در شوون زندگی فردی و اجتماعی افراد بوضوح عیان است و لزوم چاره‌اندیشی برای آن بر کسی پوشیده نیست. بخصوص در سال‌های اخیر که در برخی مناسبات رفتاری فاصله میان نسل‌ها با وجود اخطارها و افکارها در حال تبدیل به شکافی عمیق و دامنه‌دار است و محل مناقشات و نابسامانی بسیار می‌شود. در این مقاله، فهرستی از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده شکاف نسل‌ها در جامعه ایرانی همراه توضیح مختصری ارائه شده است که عبارتند از:

تغییر و تحول گسترده در شوون زندگی، نارسایی‌های تعلیم و تربیت، شرایط اقتصادی، مقاومت منفی در برابر تغییر ارزش‌ها، ضعف‌ها و کارکرد نادرست نهاد خانواده، تبلیغات، بی‌پاسخ ماندن پرسش‌ها، عدم پذیرش تفاوت دیدگاه‌ها، اعمال محدودیت‌های نابجا، عدم حمایت فکری. شکاف نسل‌ها جامعه را از تکاپو و اشتیاق نسل‌های جوان و تازه نفس محروم می‌سازد و عرصه را بر خلاقیت و نوآوری تنگ می‌کند. جامعه را از تبدیل شدن به یک پیکر واحد باز می‌دارد، انسجام سازنده آن را برهم می‌زند. تجارب پرسابقه و مهارت‌های ارزشمند رفتاری و عملکردی نسل‌های زنجیروار را عقیم می‌گذارد و راه‌های پیشرفت را مسدود می‌کند و جو اعتماد را از بین می‌برد و منافع فرد را بر مصالح جمعی مقدم جلوه می‌دهد. شکاف نسل‌ها در میان اعضای خانواده اختلاف و پرخاشگری به وجود می‌آورد و بحران‌های بیرونی را به محیط امن و آرام خانواده می‌کشاند، بر عصبیت اجتماعی می‌افزاید و موضع‌گیری افراد و گروه‌های سنی علیه یکدیگر را در عرصه‌های مختلف موجب می‌شود، پیوندهای عاطفی را که لازمه حیات اجتماعی انسان است بتدریج ضعیف می‌کند و بیگانگی افراد یک خانواده، فامیل، محله و شهر را با یکدیگر رقم می‌زند. شکاف نسل‌ها بحرانی است که بحران می‌آفریند (Rahimi, 2008, P 198).

از میان نظریات و تحقیقاتی که در این زمینه ارائه شده، دیدگاه سه نظریه پرداز با موضوع تحقیق هماهنگی بیش‌تری داشته، لذا نظریات این جامعه‌شناسان تحت عنوان چارچوب نظری تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) دیدگاه پیر بوردیو: رهیافت تضاد ساختاری، منشا اصلی منازعات نسلی، توزیع نامتوازن منابع قدرت و ثروت و سرمایه‌های در اختیار نسل‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی است و محور اصلی را تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی که در جامعه همزیستی مکانی و زمانی دارند، می‌دانند که موجب مسایل نسل‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آنها می‌شود. نظریات بوردیو در سطح کلان مارکسیستی و رویکرد تضاد قرار دارد و چالش نسل‌ها را ناشی از نظام‌های سلطه و نابرابری در عرصه‌های مختلف می‌داند. وی شکاف نسل در دنیای معاصر را افقی می‌داند. در این چشم انداز، نقطه عزیمت در تحلیل تعارضات نسلی، ساخت اجتماعی عینی بوده و با محور قرار دادن تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی، که در جامعه همزیستی زمانی و مکانی دارند، مسائل نسل‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آنها را ناشی از تضاد زیر بنایی یاد شده و در تناظر با موقعیت و منافع اجتماعی نسلی در نظر گرفته می‌شود. به اعتقاد بوردیو، در شرایط معاصر، شکاف نسل‌ها، شکافی افقی بوده و در عصرها و میدان‌های مختلف اجتماعی اعم از نهادی یا غیر نهادی، رویارویی بین جوانان و افراد مسن عملاً حاکی از تعارض بین افرادی به مواضع گوناگون قدرت و ثروت است. از نظر بوردیو، جوان و پیر نه یک امر عینی و واقعی، بلکه یک ساختار اجتماعی هستند که در نتیجه‌ی مبارزه میان پیر و جوان در میدان‌های مختلف به وجود می‌آیند. بوردیو بر توزیع امکانات و منابع و موقعیت نابرابر نسل‌های مختلف از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصت‌های موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در عرصه‌های مختلف در ریشه‌یابی شکاف نسلی تاکید دارد. بوردیو به جای تبیین شکاف نسل‌ها با معیارهای ذهنی و بر حسب تاثیر جریان‌ها و حوادث عمده تاریخی بر روی ذهنیت، آگاهی و هویت ویژه نسلی که بر رهیافت مانهایمی مسلط است، با رویکرد عینی به تبیین تعارضات نسلی بر حسب جایگاه استراتژیک و عصری هر نسل در رابطه با مجموعه‌ای منابع و نبرد نسل‌ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد. بوردیو مسائل نسل‌ها را در چارچوب طبقات و نظام‌های آموزشی بررسی می‌کند و با توجه به مطالعات خود به نتایج ارزشمندی دست پیدا می‌کند. وی تبعات این بازتولید امتیازات طبقاتی در نظام آموزشی دموکراتیزه شده را به طور اجمالی موارد ذیل می‌داند: آموزش، آگاهی، نظام مطالبات و شکاف نسلی در امکانات، منافع نسلی و تنش‌های بین نسلی، تضاد منافع نسلی و تحول اجتماعی. اصطلاحاتی چون "غیر مسئول بودن موقت جوانان"، "تحول خاموش"، سرمایه‌های نمادین "از مفاهیم ارزشمند و پر بار بوردیو در تحلیل‌های وی می‌باشد (Jenkins, 2006.P 72).

ب) دیدگاه کارل مانهایم و نظریه نسل تاریخی: این نظریه اولین بار توسط مانهایم فرمول بندی و تنظیم شد. در این دیدگاه ظهور یک نسل حقیقی و تبلور یک آگاهی نسلی متمایز نتیجه حوادث تاریخی عظیمی است که افراد در حدود ۲۵-۱۷ سالگی خود در داخل حوزه جغرافیایی واحدی، به طور مشترک آن را تجربه می‌کنند. رهیافت مانهایم، تحلیلی تاریخی و ذهنی با تاکید بر روی

تجارب ویژه، آگاهی و ذهنیت نسلی است. رهیافت مانهایم به طور کلی دارای ویژگی‌های ذیل می‌باشد: تاریخ مشترک نسل، تجارب اجتماعی مشترک، دیدگاه و ایدئولوژی متمایز نسل، تاثیر ایدئولوژی و ذهنیت نسلی بر آمده از تجارب فوق بر روی گرایش‌ها و رفتارهای نسل و تفسیر حوادث بعدی بر اساس دیدگاه نسلی، تمایز نسل جامعه شناختی از نسل بیولوژیک و جمعیت شناختی. در نظر مانهایم ارزش‌های نسل قبل به طور کامل از بین نمی‌روند، بلکه نسل جدید به باز تعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم دست می‌زند؛ مانهایم معتقد است کارکرد نسل نو ظهور تاریخی، همین نوآوری ارزشی و فرهنگی و تولید سبک زندگی نو است. از نظر مانهایم، نسل محل ظهور و محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی-تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف، نیات و راه‌حلهای نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل و ظهور یک سبک نسلی ظاهر می‌شود (Yousefi, 2004.P 45).

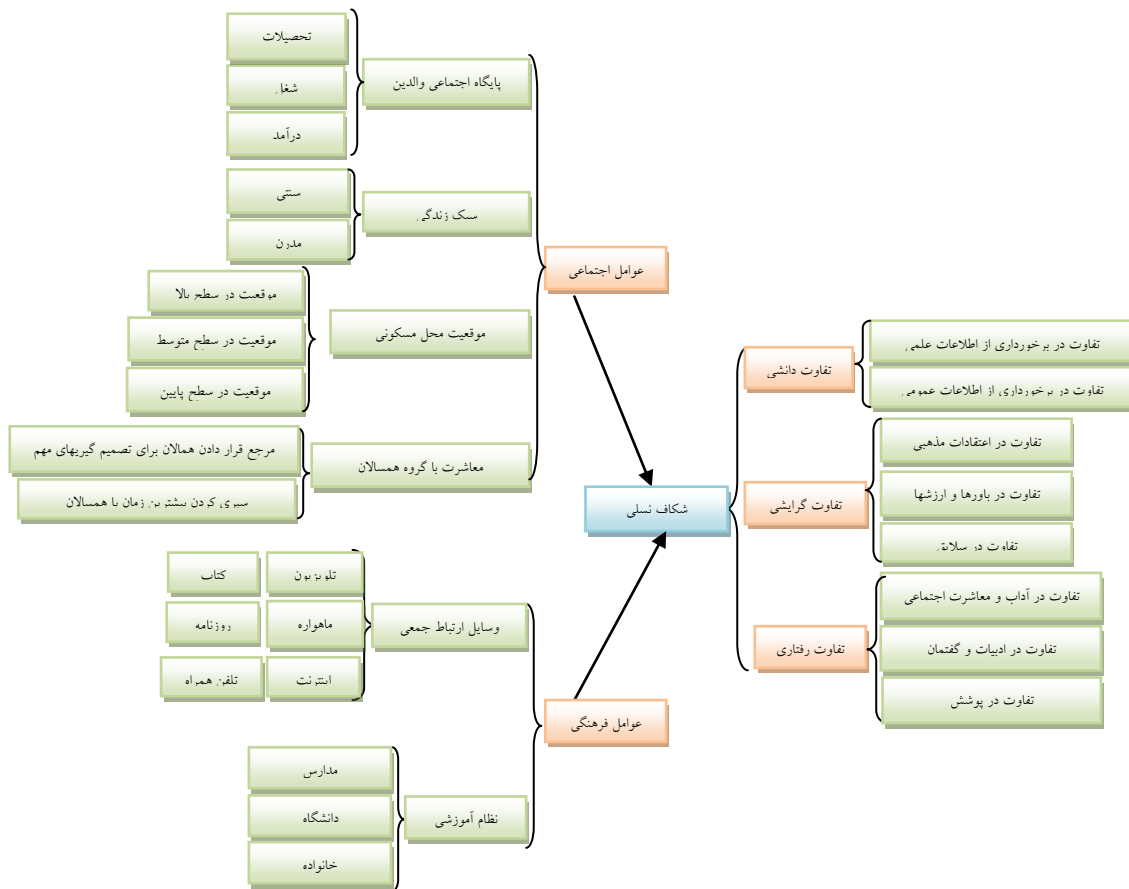
ج) دیدگاه تقی آزاد ارمکی: مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری اشاره دارد که در جریان تقابلهای سیاسی اجتماعی بروز می‌کنند. اصلی‌ترین صورت آن، شکاف زندگی مدرن و سنتی است که در قالب شکاف نسل جوان، یعنی نیروی اجتماعی مدرن با نسل گذشته یعنی نیروی اجتماعی دنیای سنتی تعبیر شده است، شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایش‌ها، و رفتاری مابین دو نسل (از قبیل والدین و فرزندان) با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد. کارل مانهایم نیروی جدیدی را که دارای موقعیت‌های جدیدی و تجربیات متفاوت باشد زمینه‌ساز شکل‌گیری واحدهای نسلی می‌داند. به نظر می‌آید تفاوت در موقعیت‌ها (دانش، گرایش و رفتار) معطوف به دو گروه سنی (جوان و پیر) منجر به شکاف نسلی می‌شود (Armaki, 2004.P 567).

با توجه به مطالعات اکتشافی و نظریات و تحقیقات به دست آمده، همچنان که در بالا آمده است، به لحاظ نظری جهت تبیین تاثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، متغیرهای خود را به صورت زیر خلاصه می‌کنیم تا بتوانیم روابط بین متغیرها را به وسیله آزمون تجربی انجام دهیم: الف) متغیرهای مستقل^۱ شامل: سبک زندگی، موقعیت محل سکونت، معاشرت با گروه همسالان، پایگاه اجتماعی والدین، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، نظام آموزشی. ب) متغیر وابسته^۲: شکاف

¹ Independent Variables

² Dependent Variables

نسلی با شاخص‌های تفاوت دانشی، تفاوت گرایشی و تفاوت رفتاری است که در مدل زیر آمده است.



فرضیه‌های مورد آزمایش براساس اهداف این تحقیق عبارتند از:

فرضیه اصلی (۱) بین عوامل اجتماعی و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱-۱) بین پایگاه اجتماعی والدین و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

۱-۲) بین سبک زندگی و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

۱-۳) بین معاشرت با گروه همسالان و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

۱-۴) بین موقعیت محل سکونت و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

فرضیه اصلی (۲) بین عوامل فرهنگی و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی: ۲-۱) بین دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

۲-۲) بین نظام آموزشی و شکاف نسلی رابطه وجود دارد.

تعاریف عملیاتی: در جدول شماره ۱ به تعاریف دو متغیر الف) متغیرهای مستقل شامل: عوامل اجتماعی و فرهنگی ب) متغیر وابسته: شکاف نسلی پرداخته شده است.

جدول شماره ۱) تعاریف عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای مستقل (شاخصها یا متغیرهای آشکار)	متغیرهای نهفته
۱. پایگاه اجتماعی والدین شامل: درآمد، تحصیلات، شغل، ۲. سبک زندگی شامل: سنتی و مدرن، ۳. موقعیت محل سکونت در سه سطح بالا، متوسط، پایین، ۴. معاشرت با گروه همسالان شامل: مرجع قرار دادن همالان برای تصمیم گیریهای مهم، سپری کردن بیشترین زمان با همسالان	عوامل اجتماعی
۱. وسایل ارتباط جمعی شامل: تلویزیون، ماهواره، اینترنت، کتاب، روزنامه، تلفن همراه ۲. نظام آموزشی شامل: مدارس، دانشگاه، خانواده	عوامل فرهنگی
ب) متغیر وابسته (شاخصها)	
۱. تفاوت دانشی شامل: تفاوت در برخورداری از اطلاعات علمی، تفاوت در برخورداری از اطلاعات عمومی ۲. تفاوت گرایشی شامل: تفاوت ارزشی، تفاوت در اعتقادات دینی، تفاوت در باورها، تفاوت در سلايق ۳. تفاوت رفتاری: تفاوت در آداب و معاشرت اجتماعی، تفاوت در ادبیات و گفتن، تفاوت در پوشش.	شکاف نسلی

ابزار و روش تحقیق

روش‌های پژوهشی که به تناسب از آنها در این تحقیق استفاده شده عبارتند از: الف) روش اسنادی: برای دستیابی به چارچوب نظری، شفاف شدن واقعیت اجتماعی و آگاهی از پیشینه و ادبیات پژوهش از روش فوق استفاده شده است. ب) روش پیمایشی: برای جمع آوری داده‌ها، طبقه بندی، توصیف، تحلیل تعمیم یافته‌ها از روش پیمایشی استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق خانواده‌های تهرانی در سال ۱۳۹۲ می‌باشند. نمونه مورد مطالعه، جوانان بین ۲۰ تا ۲۵ سال ساکن در تهران می‌باشند. نمونه جوانان ۲۰ تا ۲۵ سال به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای از مناطق ۸، ۱۶ و شهر تهران انتخاب گردید و در مرحله بعد برای اجرای ابزار سنجش از شیوه تصادفی ساده استفاده شد. برای مشخص شدن اندازه نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. در این تحقیق، p : احتمال وجود صفت در جامعه معادل q : 0.5 : احتمال عدم وجود صفت در جامعه معادل d : 0.05 : خطای نمونه‌گیری معادل t : 0.04 : احتمال صحت گفتار معادل N : $1,96$: تعداد جوانان (۲۵۳۷۶ نفر)، لذا تعداد نمونه مورد بررسی ۵۸۶ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار سنجش در این تحقیق پرسشنامه پژوهشگر ساخته است که مبتنی بر طیف لیکرت طراحی شده است.

$$n = \frac{t^2 \times p \times q}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \times p \times q}{d^2} - 1 \right) \right)$$

به منظور سنجش اعتبار یا روایی تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است. اعتبار محتوا روشی برای سنجش میزان اعتبار اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه گیری می‌باشد که معمولاً توسط افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه انجام می‌گیرد. از اینرو اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد (Kalantari, 2003.P 77). جهت حصول اطمینان از اعتبار یا روایی پرسشنامه، سؤال‌ها، گویه‌ها و طیف مورد استفاده به افراد صاحب نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه (اساتید رشته‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی ارائه گردید. سپس گویه‌های مورد توافق در ابزار اندازه‌گیری لحاظ شد و بقیه مواردی که از نظر صاحب نظران ارتباط چندانی با موضوع نداشت حذف شدند. به عبارت دیگر از مجموع ۵۰ گویه ارائه شده به بیست داور در ابزار، تنها ۲۷ گویه مورد توافق هجده داور قرار گرفت.^۱ CVR بدست آمده ۰/۸۰ است که از مقدار قابل قبول برخوردار است.

به منظور سنجش پایایی ابزار، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار ضریب آلفا برای هر یک از متغیرها شامل: شکاف نسلی ۰/۹۱، سبک زندگی ۰/۸۹، معاشرت با گروه همسالان ۰/۷۸، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی ۰/۸۴، نظام آموزشی ۰/۷۶ می‌باشد که با توجه به بالا بودن ضریب آلفا، ابزار اندازه‌گیری از پایایی نسبتاً بالایی برخوردار است.

یافته‌ها

برای آزمون فرضیه پژوهش که بین عوامل اجتماعی و فرهنگی با شکاف نسلی رابطه دارد، از رگرسیون استفاده شده است. مدل رگرسیون در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۲: همبستگی عوامل اجتماعی و فرهنگی با شکاف نسلی

ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۰/۸۱	۰/۶۴۲	۰/۶۴۰	۵/۶۰۳۰۳

جدول بالا ضریب همبستگی، مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۸۰ و در سطح بالایی می‌باشد. هم‌چنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته شکاف نسلی توسط متغیرهای مستقل عوامل اجتماعی و فرهنگی تبیین می‌شود.

جدول شماره ۳: میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیر استاندارد

متغیر مستقل	ضرایب استاندارد نشده		t	سطح معنی داری
	B	Beta		
مقدار ثابت	۱۱/۱۳۱		۲/۵۶۹	۰/۰۱۱
اجتماعی	۰/۰۵۴	۰/۲۱۵	۴/۳۵۳	۰/۰۰۰
فرهنگی	۰/۲۲۵	۰/۶۱۶	۱۲/۴۸۳	۰/۰۰۰

^۱ Content Validity Ratio

همبستگی عوامل اجتماعی و فرهنگی با شکاف نسلی برابر $0/801$ و ضریب تعیین برابر $0/642$ است. به عبارت دقیق تر ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته شکاف نسلی توسط متغیرهای مستقل پوشش داده می‌شود. میزان بتای متغیر عوامل اجتماعی در پیش بینی متغیر وابسته به اندازه $0/21$ به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. میزان بتای متغیر عوامل فرهنگی در پیش بینی متغیر وابسته به اندازه $0/61$ به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی، شکاف نسلی جوانان افزایش پیدا می‌کند، اما نقش عوامل فرهنگی بیش تر است.

به منظور بررسی مولفه‌های عوامل اجتماعی و فرهنگی و آزمون مدل نظری پژوهش از الگوسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. الگوسازی معادلات ساختاری^۱ (SEM) تکنیکی برای تحلیل داده‌ها است که به منظور ارزیابی رابطه‌ی بین دو نوع از متغیرها طراحی شده است: الف) متغیرهای آشکار: متغیرهایی که مستقیماً اندازه‌گیری شده و متغیرهای مشاهده شده‌اند. ب) متغیرهای مکنون یا پنهان یا متغیرهایی که به عنوان سازه‌ی نظری مطرح هستند. الگوسازی معادلات ساختاری به پژوهشگر این اجازه را می‌دهد تا به تحلیل علی متغیرهای مکنون و مشاهده شده به طور همزمان بپردازد (Marnama, 1997.P 341). زمانی که از الگوی معادلات ساختاری استفاده می‌شود، یک مؤلفه‌ی مهم تحلیل ارزیابی چگونگی برازش مدل فرضیه‌ای با داده‌های مشاهده شده است. پژوهشگران معمولاً به منظور ارزیابی این برازش از شاخص‌های نیکویی برازش^۲ استفاده می‌کنند.

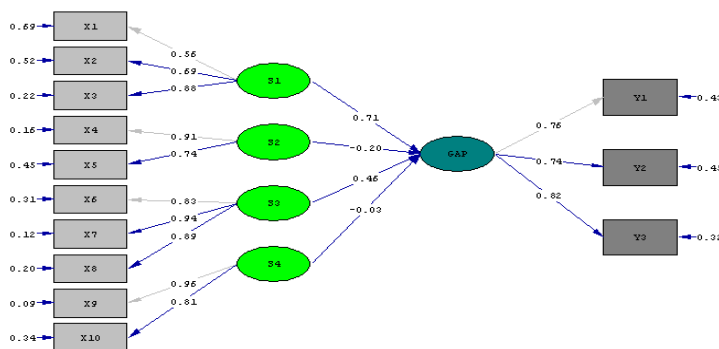
مقدار ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب که به واقع همان آزمون انحراف هر درجه‌ی آزادی است برای مدل‌هایی که (۱) برازندگی خوبی داشته باشند کمتر از $0/05$ می‌باشد، (۲) مقادیر بالاتر از آن تا $0/08$ نشان دهنده‌ی خطاهای معقولی برای تقریب در جامعه است، (۳) مدل‌های که RMSEA آنها $0/10$ بیش تر باشد برازش ضعیفی دارد. هیو و بنتلر به عنوان نقطه‌ی برش برازندگی خوب مدل، مقدار کوچکتر یا مساوی $0/06$ را پیشنهاد کرده‌اند (Homan, 2005.P 245). با استفاده از این مزیت الگوسازی ساختاری، در پایان سعی شده است تا ارتباط علی متغیرهای مکنون با یکدیگر و روابط هر یک از آنها با معرف‌های مربوط شان (متغیرهای آشکار) بررسی شود. در ابتدا متغیر وابسته و متغیرهای مستقل به تفکیک با معرف‌ها بعنوان متغیرهای آشکار بررسی شده‌اند تا اطمینان حاصل شود که معرف‌های مناسبی برای متغیر مکنون مورد نظر هستند. سپس در مرحله دوم، شاخص‌های متغیرهای مستقل به صورت جداگانه با متغیر وابسته در قالب الگوی لیزرل آزمون شده‌اند. در مرحله سوم شاخص‌های چند متغیر مستقل با یکدیگر با متغیر وابسته (شکاف نسلی) در قالب الگوی لیزرل آزمون شده‌اند. در این پژوهش بعد اجتماعی و بعد فرهنگی بعنوان متغیرهای

^۱.Structtural Equation Models

^۲.Goodness of fit Index

مکنون هستند. با توجه با اینکه براساس استدلال‌های مطرح شده در الگوهای معادلات ساختاری مبنای تصمیم‌گیری در باره صحت و سقم فرضیه‌های مطرح در این شیوه تحلیل داده‌ها از طریق شاخص RMSEA استنتاج شده است، یاد آور می‌شوم طبق نظر هیو و بنتلر چنانچه مقدار این شاخص کمتر از ۰/۰۸ باشد مدل برازش دارد و چنانچه مقدار این شاخص بزرگتر یا مساوی ۰/۰۸ باشد مدل مورد تایید نیست (Kalantari, 2009.P 131). خروجی معادلات ساختاری متغیرها در الگوهای زیر آمده است:

مدل رابطه عوامل اجتماعی شامل پایگاه اجتماعی والدین (x1-x3)، سبک زندگی (x4-x5)، معاشرت با همسالان (x6-x8)، موقعیت سکونت (x9-x10)، با شکاف نسلی (y1-y3)



شکل بالا الگوی ارتباط عوامل اجتماعی شامل پایگاه اجتماعی والدین (S1)، سبک زندگی (S2)، معاشرت با همسالان (S3)، موقعیت سکونت (S4)، به عنوان متغیر مستقل با متغیر وابسته شکاف نسلی (GAP) که شامل ابعاد تفاوت دانشی، گرایشی و رفتاری (y1-y3) است، اندازه گیری شده و با الگوی حقیقی داده‌ها یکسان است. از آنجا که مقدار «شاخص نیکویی برازش» این مدل برابر ۰/۹۲ می‌باشد می‌توان بیان کرد که این مدل برازش قابل قبولی با واقعیت دارد.

میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر مثبت و مستقیم بین «پایگاه اجتماعی والدین» به مقدار ۰/۷۱، «سبک زندگی» به مقدار ۰/۲۰، «معاشرت با همسالان» به مقدار ۰/۴۶، با «شکاف نسلی» می‌باشد. به عبارت دیگر هر اندازه پایگاه اجتماعی والدین فرد، سبک زندگی و معاشرت با همسالان در سطح بالایی باشد، میزان شکاف نسلی افزایش می‌یابد. در این مدل، متغیر «موقعیت سکونت» به مقدار ۰/۰۲ می‌باشد که نشان از نبود رابطه با «شکاف نسلی» می‌باشد.

معاشرت با همسالان (۰/۴۶) + سبک زندگی (۰/۲۰) + پایگاه اجتماعی والدین (۰/۷۱) = Y (شکاف نسلی)

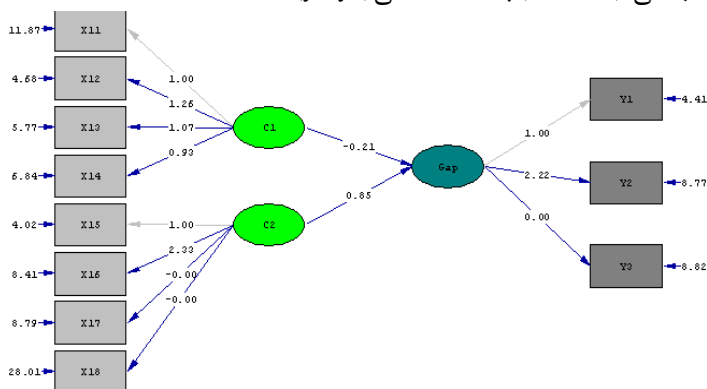
جدول شماره ۴) شاخص‌های مرتبط با برازش مدل

تفسیر	میزان	شاخص
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)	۰/۹۱	لوئیز- تاکر (شاخص برازش غیرنرم)
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)	۰/۹۳	بونت- بنتلر (شاخص برازش نرم‌شده)
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۷۰)	۰/۷۲	هولتر
برازش عالی (ملاک کمتر یا مساوی ۰/۰۸)	۰/۰۳۸	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSE
برازش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)	۰/۹۲	GFI

با تأکید بر شاخص نیکویی برازش می‌توان به برازش مدل تدوین شده از یکسو و داده‌های تجربی از سوی دیگر، تأکید داشت. بنابراین انطباق مطلوبی بین مدل به تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی فراهم گردیده است و با تأکید بر معادلات ساختاری، الگویی مناسب در زمینه‌ی رابطه بین «مولفه‌های عوامل اجتماعی با شکاف نسلی» طراحی گردیده و برازش مطلوب معرف الگویی معادلات ساختاری با تأکید بر ابعاد عوامل اجتماعی با شکاف نسلی است. در جمع‌بندی نهایی، مدل پیشنهادی پژوهشگر، از برازش کاملی برخوردار بوده، زیرا شاخص برازش غیرنرم لوئیز- تاکر (۰/۹۱) و شاخص برازش نرم شده بونت بنتلر (۰/۹۳)، بالاتر از ۰/۹۰ بوده است. علاوه بر آن، شاخص هولتر (۰/۷۲) بزرگتر از ۰/۷۰ بوده و برازش مطلوب را نشان می‌دهد. هم‌چنین، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (۰/۰۳۸)، کمتر از ۰/۰۸ بوده و معرف برازش مدل پژوهشگر است.

مدل رابطه عوامل فرهنگی شامل نظام آموزشی (x11-x14)،

وسایل ارتباط جمعی (x15-x18)، با شکاف نسلی (y1-y3)



شکل بالا الگوی ارتباط عوامل فرهنگی شامل نظام آموزشی (C1)، وسایل ارتباط جمعی (C2)، به عنوان متغیر مستقل با متغیر وابسته شکاف نسلی (GAP) که شامل ابعاد تفاوت دانشی، گرایشی و رفتاری (y1-y3) است، اندازه‌گیری شده و با الگوی حقیقی داده‌ها یکسان است. از آنجا که مقدار

«شاخص نیکویی برآزش» این مدل برابر ۰/۹۲ می‌باشد می‌توان بیان کرد که این مدل برآزش قابل قبولی با واقعیت دارد.

میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر معکوس بین «نظام آموزشی» به مقدار ۰/۲۱-، با «شکاف نسلی» می‌باشد. به عبارت دیگر هر اندازه نظام آموزشی در سطح بالایی باشد، میزان شکاف نسلی کاهش می‌یابد.

میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر مثبت و مستقیم بین «وسایل ارتباط جمعی» به مقدار ۰/۸۵ با «شکاف نسلی» می‌باشد. به عبارت دیگر هر اندازه دسترسی جوانان به وسایل ارتباط جمعی بیش‌تر شود، میزان شکاف نسلی افزایش می‌یابد.

نظام آموزشی (۰/۲۱-) + وسایل ارتباط جمعی (۰/۸۵) Y = (شکاف نسلی)

جدول شماره ۵) شاخص‌های مرتبط با برآزش مدل

شاخص	میزان	تفسیر
لوئیز- تاکر (شاخص برآزش غیرنرم)	۰/۹۲	برآزش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)
بونت- بنتلر (شاخص برآزش نرم شده)	۰/۹۳	برآزش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)
هولتر	۰/۷۱	برآزش عالی (ملاک بیش از ۰/۷۰)
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب RMSE	۰/۰۴۲	برآزش عالی (ملاک کمتر یا مساوی ۰/۰۸)
GFI	۰/۹۲	برآزش عالی (ملاک بیش از ۰/۹۰)

با تأکید بر شاخص نیکویی برآزش می‌توان به برآزش مدل تدوین شده از یکسو و داده‌های تجربی از سوی دیگر، تأکید داشت. بنابراین انطباق مطلوبی بین مدل به تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی فراهم گردیده است و با تأکید بر معادلات ساختاری، الگویی مناسب در زمینه‌ی رابطه بین «مولفه‌های عوامل فرهنگی با شکاف نسلی» طراحی گردیده و برآزش مطلوب معرف الگویابی معادلات ساختاری با تأکید بر ابعاد عوامل فرهنگی با شکاف نسلی است. در جمع‌بندی نهایی، مدل پیشنهادی پژوهشگر، از برآزش کاملی برخوردار بوده، زیرا شاخص برآزش غیرنرم لوئیز- تاکر (۰/۹۲) و شاخص برآزش نرم شده بونت بنتلر (۰/۹۳)، بالاتر از ۰/۹۰ بوده است. علاوه بر آن، شاخص هولتر (۰/۷۱) بزرگتر از ۰/۷۰ بوده و برآزش مطلوب را نشان می‌دهد. هم‌چنین، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (۰/۰۴۲)، کمتر از ۰/۰۸ بوده و معرف برآزش مدل پژوهشگر است.

بحث و نتیجه گیری

شکاف نسلی پدیده‌ای جهانی است و طرح مسئله شکاف نسلی نشان‌دهنده اهمیت و ارزش نهاد خانواده است که در این زمینه هم انسجام و هم کشمکش وجود دارد. این موضوع نشان از تحولات ارزشی و تغییرات اجتماعی سطح کلان جامعه است که همسو با تغییرات و تحولات دنیا در حال حرکت است. شکاف نسلی پدیده‌ای جهانی است که جامعه را به سوی دگرگونی و تحول می‌برد.

خانواده ایرانی در جامعه در معرض اطلاعات و ارتباطات اینترنتی قرار گرفته و این خود عاملی برای شکاف نسلی است. گاهی شکاف نسلی در خانواده به بیگانگی نسلی تبدیل شده و نسل‌ها زبان یکدیگر را نمی‌فهمند. در حال حاضر اوضاع جامعه به گونه‌ایست که گروه مرجع جوانان، در بسیاری موارد، خانواده نیست بلکه افراد دیگر حتی در آن سوی مرزها، گروه مرجع جوان ایرانی شده‌اند و این خود نشان‌دهنده شکاف نسلی است. سبک زندگی جوان امروز مانند سبک غذا خوردن، بازی کردن، گذران اوقات فراغت، پوشش و آرایش و به عبارتی مدیریت بدن نیز یکی دیگر از عوامل شکاف نسلی است. توقعات و انتظارات فرآینده جوانان از خانواده که عامل آن امروز در مواردی خود خانواده بوده است نیز باعث شکاف نسلی شده است.

در گذشته بحث اجتماعی شدن افراد سه نهاد را مورد توجه قرار می‌داد: خانواده، نظام آموزشی و گروه دوستان و همسالان. اما امروز رسانه هم به این سه اضافه شده است. چون مشخص شده است که رسانه‌ها تاثیر زیادی در زندگی امروز ما گذاشته‌اند. شما هر جایی را که نگاه می‌کنید وسایل ارتباطی نقش مهمی را بازی می‌کنند. به همین دلیل است که این وسایل در اجتماعی شدن افراد تاثیر بسیاری دارند و جوانان هم از این قاعده مستثنی نیستند. اگر جوانان بدون کنترل مناسب با این ابزار در ارتباط قرار بگیرند مطمئناً اجتماعی شدنشان هم می‌تواند با یک آسیب جدی همراه باشد. پس باز هم به همان بحث اصلی برمی‌گردیم که همان نظارت و آموزش مناسب است.

در این پژوهش نتایج نشان داد همبستگی عوامل اجتماعی و فرهنگی با شکاف نسلی برابر $0/801$ و ضریب تعیین برابر $0/642$ است. به عبارت دقیق تر 64 درصد از تغییرات متغیر وابسته شکاف نسلی توسط متغیرهای مستقل پوشش داده می‌شود. میزان بتای متغیر عوامل اجتماعی در پیش-بینی متغیر وابسته به اندازه $0/21$ به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. میزان بتای متغیر عوامل فرهنگی در پیش‌بینی متغیر وابسته به اندازه $0/61$ به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش متغیر عوامل اجتماعی و فرهنگی، شکاف نسلی جوانان افزایش پیدا می‌کند، اما نقش عوامل فرهنگی بیش‌تر است.

برای آزمون برازش مدل نظری تحقیق با تأکید بر شش شاخص نیکویی برازش می‌توان به برازش مدل‌های تدوین شده از یکسو و داده‌های تجربی از سوی دیگر، تأکید داشت. بنابراین انطباق مطلوبی بین مدل‌های به تصویر درآمده و یا مدل ساختاری شده با داده‌های تجربی فراهم گردیده است و با تأکید بر معادلات ساختاری، الگویی مناسبی در زمینه‌ی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته طراحی گردیده و برازش مطلوب، معرف الگوییابی معادلات ساختاری است.

الگوی ارتباط عوامل اجتماعی با شکاف نسلی نشان می‌دهد که میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر مثبت و مستقیم بین «پایگاه اجتماعی والدین» به مقدار $0/71$ ، «سبک زندگی» به مقدار $0/20$ ، «معاشرت با همسالان» به مقدار $0/46$ ، با «شکاف نسلی» می‌باشد. به عبارت دیگر هر اندازه پایگاه

اجتماعی والدین فرد، سبک زندگی و معاشرت با همسالان در سطح بالایی باشد، میزان شکاف نسلی افزایش می‌یابد. در این مدل، متغیر «موقعیت سکونت» به مقدار ۰/۰۲ می‌باشد که نشان از نبود رابطه با «شکاف نسلی» می‌باشد. در تحلیل جامعه‌شناختی می‌توان بیان داشت که تا حدودی به دیدگاه مورد نظر بوردیو، مانهایم و آزاد ارمکی در آزمون تجربی نزدیک می‌شویم.

ارتقاء سطح زندگی و سبک زندگی جوانان موجب می‌شود توجه خود را معطوف به الگوی مرجع بیرون از خانواده و معاشرت با همسالان قرار داده و رفته رفته فاصله خود را از آن بیش‌تر کند. در این زمینه باید پذیرفت که نمی‌توان جوانان را با توجه به تحولات ارزشی و تغییرات اجتماعی، از معاشرت با همسالان خود محدود کرد، اما پیشنهاد می‌شود والدین خود را همگام و همسو با این تغییرات کرده تا بتوانند به زبان مشترک با فرزندان خود دست یابند. البته این موضوع با تکیه بر حفظ ارزش‌های نهاد خانواده شکل می‌گیرد. اگر چه جوانان گرایش به زندگی مادی را اولویت خود قرار می‌دهند اما پیشنهاد می‌شود والدین تلاش کنند زمینه‌های تقویت ارزش‌ها و سنت‌های ایرانی را فراهم ساخته و یا به صورت شفاهی در نشست‌های چهره به چهره برای فرزندان خود بازگو کنند. الگوی ارتباط عوامل فرهنگی با شکاف نسلی نشان می‌دهد که میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر معکوس بین «نظام آموزشی» به مقدار ۰/۲۱-، با «شکاف نسلی» می‌باشد. به عبارت دیگر هر اندازه نظام آموزشی در سطح بالایی باشد، میزان شکاف نسلی کاهش می‌یابد. نظام آموزشی می‌تواند نقش جدی در افزایش سطح آگاهی جوانان داشته باشد. هر اندازه نظام آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) از طریق کارگاه‌های آموزشی یا تخصصی در زمینه اهمیت ارزش‌های نهاد خانواده تلاش کنند، موجب می‌شود که شکاف موجود بین فرزندان و والدین کاهش یابد.

هم‌چنین میزان ضریب بدست آمده بیانگر اثر مثبت و مستقیم بین «وسایل ارتباط جمعی» به مقدار ۰/۸۵ با «شکاف نسلی» می‌باشد. به عبارت دیگر هر اندازه دسترسی جوانان به وسایل ارتباط جمعی بیش‌تر شود، میزان شکاف نسلی افزایش می‌یابد. تمام لحظه‌های ما چه در محیط خانه و چه در محیط کار در سیطره وسایل ارتباطی قرار گرفته است. برای مثال، خانواده‌ها با گرایش‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت از این وسایل ارتباطی استفاده می‌کنند. خانواده‌های سنتی به نوعی درگیر این وسایل و خانواده‌های مدرن هم به نحو دیگر هستند. بنابراین امروز نمی‌توانیم خانواده‌ای را پیدا کنیم که از این وسایل ارتباطی بهره‌برداری نکرده باشند. بر این اساس، لحظه‌های بسیار زیادی را از زندگی افراد و خانواده‌ها به تسلط خودش درآورده است. با وجود این وسایل ارتباطی و کم رنگ شدن ارتباط‌های میان فردی در بین اعضای خانواده، نمی‌شود گفت که برقراری ارتباط به نوعی از بین رفته، بلکه نوع فرایند ارتباط تغییر کرده است. در جوامع پیشرفته افرادی که از محل زندگی خود کوچ کرده‌اند، در روزهایی از سال کنار هم جمع می‌شوند و از با هم بودن لذت می‌برند و به بازتولید رفتارهای سنتی خود می‌پردازند. متأسفانه به دلیل خلاهایی که در جامعه ما وجود

داشته است جامعه ما نتوانسته به نحو درستی از این وسایل بهره برد. باید سعی کنیم تا شیوه استفاده از این ابزار را به افراد جامعه آموزش دهیم.

هویت انسان‌ها تحت تاثیر این رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی در حال شکل‌گیری است. گاهی دستورالعمل‌هایی که در فیلم‌های پخش شده در ماهواره‌ها برای افراد تجویز می‌شود در خانواده‌های واقعی هم به کار گرفته می‌شود. سواد رسانه‌ای میزان آگاهی افراد خانواده نسبت به اثرات رسانه‌هاست. وقتی جوانی وارد فضاهای مجازی می‌شود و با انسان‌هایی با نقاب‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کند، اگر از سواد رسانه‌ای برخوردار نباشد بدون شک تحت تاثیر این فضاها قرار خواهد گرفت. متأسفانه به دلیل نداشتن آگاهی مناسب در این بخش، خانواده‌ها نتوانسته‌اند آموزش مناسبی به فرزندان خود بدهند. باید میزان آگاهی خود را بالا ببریم. در فضاهای مجازی ممکن است صدماتی به افراد وارد شود که تا مدت‌ها از بین نرود.

با توجه به یافته‌های تجربی پژوهش، این پیشنهادات می‌تواند مورد تامل قرار گیرد. نظام آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) بهتر است با تدوین برنامه جدی توجه خود را معطوف به تقویت ارزش‌های سنتی و دینی قرار داده و با ارائه کارگاه‌های آموزشی در زمینه تقویت روابط خانوادگی برای جوانان و والدین، به عملیاتی کردن کاهش شکاف نسلی نزدیک شوند.

اقدام دیگری که بهتر است والدین به آن توجه کنند، نظارت و کنترل معاشرت جوانان با دوستان و همسالان است. از آنجا که جوانان بیش‌ترین زمان بیرون از منزل را با دوستان خود و دور از چشم والدین سپری می‌کنند، ممکن است با آسیب‌های اجتماعی مواجه شوند. بهتر است با ایجاد تقویت فضای دوستی بین والدین و فرزندان، تجربیات والدین در زمینه دوست‌یابی به درستی انتقال پیدا کند.

خانواده ایرانی در معرض اطلاعات و ارتباطات اینترنتی قرار گرفته و جوانان گرایش زیادی به استفاده از آنها دارند. وجود فضای وایبر، اینترنت، ماهواره، تلفن همراه و سایر وسایل ارتباط جمعی اجتناب‌ناپذیر است، اما والدین باید سواد رسانه‌ای خود را افزایش دهند تا زمینه‌های شکاف نسلی کاهش پیدا کند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در زمینه عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر شکاف نسلی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد تا با کمک ضریب همبستگی تفکیکی و نیمه تفکیکی تاثیر خالص سایر متغیرها مورد کنترل و بررسی قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود برای سنجش عوامل اثرگذار بر شکاف نسلی در یک نمونه کوچکتر، اما در چند شهر متفاوت با تکنیک مصاحبه عمیق در طول زمان به روش پانل یا روند پژوهی هر کدام به طور مجزا مورد مطالعه قرار گیرند تا تاثیر آنها در طول زمان به درستی سنجیده شود. امید است با مقایسه نمونه‌ها و کنترل متغیرها، میزان و ضریب تاثیر آنها بهتر نمایان شود.

Refrence

- Azadarmaki,T,(2004),**Sociology of generation gap in Iran**, Tehran: social and Human sciences faculty. (PERSIAN)
- Eslovin,J(2001), **Internet and Society**,Tehran,ketabdar.
- Homan,H,(2005)**Structural Equation Modeling whith Lisrel Application**, Tehran:samt.(PERSIAN)
- Iranian Sociological Association(2004).**Social problems in Iran**, Tehran:agah. (PERSIAN)
- Jenkins, Richard (2006) **Pierre Bourdieu**,Routledge.
- Kazno, J(2004), **Sociology of Mass Media**,Tehran:Ettelaat. (PERSIAN)
- Kaffashi,M(2005) **Herbert Marcuse and critical theory**,Quarterly Scientific&Research Journal of Social Sciences,Islamic Azad University of Khalkhal,Vol.2 No.7 . (PERSIAN)
- Kalantari,k.(200۹).**Data Processing and Analysis in Socio Economic Research**,Tehran:saba. (PERSIAN)
- Kalantari,k.(2003).**Structural Equation Modeling in Socio Economic Research**,Tehran:sharif. (PERSIAN)
- Maryama,G.M.(1997).**Basics of structural equation modeling**,sage publications.
- Mansournejad,M(2003), **generation gap and dialog**, Tehran:social and Human sciences faculty. (PERSIAN)
- Rahimi,A(2008), **generation gap**, Tehran:social and Human sciences faculty (PERSIAN)
- Rosnbaum(1973), **Family als Gegenstruktur zur Gesellschaft**.
- Saeed,M(2004),**The role of media in generation gap**, Tehran:social and Human sciences faculty. (PERSIAN)
- Yousefi,N(2004), **generation gap(Theoretical and Emprical study)**,Tehran:social and Human. (PERSIAN)

